

وینفرید اشنایدر دیترز<sup>۱</sup>

مبارزات استقلال طلبانه سیاست داخلی و خارجی جمهوری‌های تازه استقلال یافته (شوروی سابق) در قفقاز جنوبی را تحت الشعاع خود قرار داده است. قره‌باغ تحت حمایت ارمنستان از آذربایجان و آبخازیا از گرجستان جدا شده است. این دو جنگ استقلال طلبانه با آتش بس تحمیلی روسیه پایان یافته، آذربایجان و ارمنستان را مانند گرجستان و آبخازیا در یک حالت جنگ سرد نگه داشته است. خروج و فرار - تصفیه نژادی - منجر به حجم زیادی از آوارگان و مهاجران گردیده است، ۸۰۰،۰۰۰ نفر آذری (افراد بدون اقامتگاه در داخل) در آذربایجان، که شامل آوارگانی از قره‌باغ و شش استانی می‌باشند که توسط نیروهای نظامی ارمنستان و قره‌باغ اشغال گردیده است؛ و ۳۰۰،۰۰۰ نفر آواره گرجی از آبخازیا که ۲۰۰،۰۰۰ نفر آنها در گرجستان زندگی می‌کنند. چنین موردی در اوستیای جنوبی، که از گرجستان جدا شده، البته با خونریزی کمتر و مشکل آوارگان و اقلیت کمتری وجود دارد. در حالی که ارمنستان از نظر نژادی متجانس می‌باشد، آذربایجان و گرجستان مشکلات اقلیتی دارند. روسیه مظنون به استفاده ابزاری از آنها - همچنانکه تجربه سیاسی زمان شوروی بود - با هدف تأمین نفوذ خود در منطقه می‌باشد.

۱. آقای دکتر وینفرید اشنایدر دیترز، رئیس دفتر منطقه‌ای بنیاد فردریش ایبرت آلمان در تفلیس می‌باشد که در تاریخ ۸/۸/۸۱ سخنرانی فوق را در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ایراد کرده است. این سخنرانی توسط آقای حسن نیازی به فارسی ترجمه شده است.

بنابراین برای مثال، ارمنی‌های ساکن در استان دژاواختیا<sup>۱</sup>، مکانی که پایگاه نظامی روسیه قرار دارد، خواهان خودمختاری هستند. اضافه بر آن به خاطر تقاضای مسلمانان مسخلی<sup>۲</sup> جهت بازگشت به وطن خود که زمان حکومت استالین از آنجا اخراج شده‌اند اوضاع منطقه پیچیده‌تر شده است.

منافع خارجی: تأثیر منافع خارجی در وضعیت منطقه قفقاز جنوبی: روسیه از ارمنستان و ترکیه به خاطر تعلقات نزدی از آذربایجان حمایت می‌کند. ایران روابط دوستانه‌ای با ارمنستان دارد، تا زمانی که روابطش با آذربایجان پرتنش باشد. در حالی که کشورهای همسایه منطقه، ایران، ترکیه و روسیه یک تاریخ طولانی از روابط با منطقه قفقاز دارند. آمریکا بازیگر جدیدی که به منطقه وارد شده، اعلام کرده است قفقاز جنوبی یک بخشی از منافع ملی آمریکا می‌باشد.

میانجیگری بین‌المللی: میانجیگری بین‌المللی در خصوص قره‌باغ با شکست مواجه شده است: مذاکرات بین آذربایجان و ارمنستان و رژیم قره‌باغ که از نظر بین‌المللی به رسمیت شناخته نشده، در چارچوب «گروه مینسک» با بن‌بست مواجه شده است. مذاکرات بین گرجستان و رژیم به رسمیت شناخته نشده آبخاز یا تحت حمایت سازمان ملل متحد همچنین در اولویت قرار دارند.

سند معروف «بودن»<sup>۳</sup>، برای اصول اساسی تقسیم قدرت قانون اساسی بین تفلیس و سوخومی توسط فدراسیون روسیه در شورای امنیت سازمان ملل و تو شده است.

روسیه - قفقاز جنوبی: روسیه مدعی حق دفاع نظامی از مرزهای جنوبی جمهوری‌های تازه استقلال یافته (CIS) را بیان داشته، که شامل هر سه جمهوری قفقاز جنوبی و به معنای مرز آذربایجان با ایران و ارمنستان و ایران و ترکیه می‌باشد.

در یک قطعنامه غیرقابل اجرا مربوط به نشست سران (OSCE) در استانبول، روسیه برای خارج ساختن پایگاه‌های نظامی‌اش از گرجستان تحت فشار قرار گرفت و متهم به داشتن

1. Dzhavakhetia

2. Meskhetians

۳. دیپلمات آلمانی دکتر دیتر بودن، نماینده اسبق دبیرکل سازمان ملل در گرجستان

آرمان‌های نئوامپریالیستی شد. ما فکر می‌کنیم روسیه بایستی اجازه دهد روابطش با منطقه قفقاز جنوبی به سمت رابطه اقتصادی و عقلانی هدایت گردد. در چارچوب همکاری اقتصادی به‌ویژه در زمینه انرژی و بخش حمل و نقل، روسیه می‌تواند منافع خود را در قفقاز جنوبی عملاً بیش از راه‌های نظامی تأمین کند. به هر حال، حضور آمریکا در سرزمین‌های جمهوری‌های سابق شوروی موجب تحریک روسیه شده است. به عقیده من حضور آمریکا در منطقه قفقاز جنوبی یکی از دلایل عمده برای مشکلات روسیه جهت عادی کردن روابط خود با جمهوری‌های شوروی سابق می‌باشد.

روسیه - گرجستان: گرجستان طرفدار غرب، یا به بیان دیگر طرفدار آمریکا است و این موضوع عامل تحریک روسیه می‌باشد. روابط فیما بین گرجستان - روسیه، که حتی از زمان استقلال گرجستان تیره شده بود، در هفته‌های اخیر وخیم‌تر شده است. روسیه گرجستان را متهم به حمایت از تروریست‌های چچنی در خاک خود می‌نماید. رئیس‌جمهور پوتین در سخنرانی ۱۱ سپتامبر خود در سال جاری، گرجستان را تهدید به اشغال نظامی کرد. روسیه سال گذشته برای اتباع گرجی رژیم روادید برقرار کرد و این امر را امسال به شهروندان روسی آبخازایی و اوراسیای جنوبی تسری بخشید. گرجستان از روسیه تقاضای خروج نیروهای نظامی از خاک کشورش را کرد و نیروهای حافظ صلح روسی در آبخازیا را متهم به جنگ طلبی نمود.

آمریکا - قفقاز جنوبی: به فاصله اندکی پس از این که جمهوری‌های شوروی سابق اعلام استقلال کردند، ایالات متحده آمریکا منافع خود در منابع انرژی خزر را اعلام کرد. به هر حال این مشروعیت منافع اقتصادی حاصل توافق سیاستمداران دولت آمریکا در ترانزیت مسیرهای انتقال نفت و گاز دریای خزر می‌باشد، زیر فشار دولت آمریکا پروژه سه میلیارد دلاری خط لوله باکو - تفلیس - جبهان، ایران و روسیه را کنار گذاشت و مراسم افتتاحیه شروع این پروژه «فیل سفید» در ۱۸ سپتامبر سال ۲۰۰۲ برگزار گردید. به کارگیری فشار سیاسی دولت آمریکا بر تمامی محاسبات تجاری کمپانی‌های خصوصی نفتی چربید. حتی زمانی که به جهت مسایل زیست‌محیطی مسیر بندر روسی نوروسیسک در دریای سیاه تا حدودی قابل توجیه بود، اما انگیزه‌های سیاسی محض به خاطر محروم کردن ایران از خطوط انتقال نفت موجب اولویت طرح

اول گردید. خطرات امنیتی عبور خط لوله از یک منطقه درگیری‌های غیرفعال، دولت آمریکا را وادار به دستیابی جای پای نظامی در منطقه قفقاز جنوبی که دائمی خواهد بود - نه تنها موقتی، مانند مانور نظامی ناتو در چارچوب مشارکت برای صلح - می‌نماید. متهم کردن گرجستان به عنوان یک دولت حامی تروریسم توسط روسیه، مبتنی بر اتهاماتی است که دولت آقای شوارنادزه نتوانست برخورد اساسی با مبارزان نظامی چچنی در خاک گرجستان داشته باشد، اتهامات روسیه به گرجستان این شانس را به دولت آمریکا هدیه کرد تا بتواند مشاوران نظامی خود را در چارچوب «برنامه آموزش و تجهیز» به گرجستان اعزام کند. به اعتقاد من این اولین گام در جهت تأسیس یک پایگاه نظامی در قفقاز جنوبی به منظور تأمین منافع آمریکا در منابع انرژی خزر می‌باشد.

بحران روابط گرجستان - روسیه که از اعلام تهدید مداخله نظامی در خاک گرجستان توسط آقای پوتین منبعت شده به‌طور زیرکانه‌ای مورد استفاده بوش قرار گرفت. از طرفی بوش به حمایت خود در خصوص جلوگیری از تجزیه خاک گرجستان تأکید مجدد کرد، و روسیه مجبور شد از حق دفاع از خود در بمباران خاک گرجستان اجتناب ورزد؛ اما از طرف دیگر آمریکا شوارنادزه را ترغیب به واکنش نظامی علیه تروریست‌های القاعده در دره پانکیسی کرد، و با این اقدام همکاری آمریکا - روسیه در مبارزه با تروریسم بین‌المللی مجدداً تحکیم شد.

اروپا - قفقاز جنوبی: منافع اروپا در قفقاز جنوبی بیش از «نفت و گاز»، کریدورهای حمل و نقل منابع انرژی خزر و تراسکا<sup>۱</sup> می‌باشد. هر سه جمهوری قفقاز جنوبی به عضویت شورای اروپایی پذیرفته شده‌اند<sup>۲</sup> در حالی که اتحادیه اروپایی هنوز چشم‌انداز مشخصی در مورد همکاری با جمهوری‌های قفقاز جنوبی را تعریف نکرده است. آیا اتحادیه اروپایی برای عضویت جمهوری‌های قفقاز جنوبی در آینده پیش‌بینی کرده است؟ آیا آنها شایستگی عضو همکار در آینده نزدیک را دارند؟ البته اروپا حوزه‌ای بزرگتر از اتحادیه اروپایی را که یک منطقه ویژه در درون روابط بین منطقه‌ای است را تشکیل می‌دهد. اما آیا کشورهای قفقاز جنوبی در تمامی

1. Traseca

۲. گرجستان در سال ۱۹۹۹ و ارمنستان و جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۰۱ به شورای اروپا پیوستند.

زمینه‌ها بخشی از اروپا محسوب خواهند شد، یا هنوز بخشی از آسیا می‌باشند. تمامی اینها سؤالاتی است که بدون پاسخ باقی مانده‌اند.

عضویت در شورای اروپا نیاز به مطابقت خاص قانون ملی با استانداردهای اروپایی دارد؛ موافقتنامه مشارکت و همکاری که اتحادیه اروپایی با کشورهای گرجستان، ارمنستان، آذربایجان منعقد کرده است، نیاز به الزامات اجرایی مشخصی در اقتصاد و سیاست این سه کشور دارد که هر دوی آنها در اروپایی شدن قفقاز جنوبی تأثیر می‌گذارد.

اروپا علاقه‌مند به ثبات در منطقه می‌باشد، اما اتحادیه اروپا به دنبال توافقنامه ثبات برای قفقاز جنوبی همانند توافق در بالکان نمی‌باشد. اتحادیه اروپایی در حال حاضر مشغول توسعه پیرامونی و اصلاحات داخلی است، البته این مسأله به معنی این نیست که در پی تأمین منابع لازم برای ایجاد یک توافقنامه جدید برای تضمین ثبات منطقه نمی‌باشد.

اتحادیه اروپایی همچنین علاقه‌مند به ثبات «منطقه» در یک سطح وسیع‌تر می‌باشد که شامل قفقاز جنوبی و همسایگان آن اعم از روسیه، ترکیه و ایران می‌گردد. ثبات مداوم تنها بر اساس موازنه منافع می‌تواند به وجود آید. تقسیم قفقاز جنوبی به منطقه نفوذ آمریکا و روسیه به درگیری‌های منطقه‌ای تداوم خواهد بخشید. پروژه خط لوله باکو-تفلیس جیهان از یک طرف به اتحاد ژئوپلتیک آمریکا، ترکیه، گرجستان، آذربایجان در برابر روسیه، ایران و ارمنستان تحکیم خواهد بخشید که به صورت بالقوه بحران‌زا می‌باشد.

ترکیه - قفقاز جنوبی: ترکیه مشخصاً با توجه به رابطه قومی که با جمهوری آذربایجان دارد در بحران قره‌باغ مرزهایش را با ارمنستان بسته است. از زمان برقراری رژیم روادید برای شهروندان گرجی توسط روسیه، ترکیه به عنوان شریک اصلی تجاری گرجستان در آمد. مشکل حمل و نقل ریلی و جاده‌ای به خاطر درگیری در آبخاز یا باعث شده که گرجستان نقش رابط بین دو کشور ترکیه و روسیه را از دست بدهد، که از نظر اقتصادی برای سه کشور منطقه مفید می‌باشد. یک خط لوله برای انتقال نفت خزر از خاک گرجستان تا سواحل دریای سیاه که بخش جنوبی روسیه را با سواحل مدیترانه‌ای ترکیه متصل می‌کند می‌تواند رقیبی برای باکو - جیهان

باشد و احداث خط لوله گازی در همان مسیر خطرات زیست‌محیطی خط بلواستریم<sup>۱</sup> در بستر دریای سیاه را بی‌اثر می‌نماید.

ایران - قفقاز جنوبی: اختلاف بر سر رژیم حقوقی دریای خزر روابط ایران و جمهوری آذربایجان را تیره کرده است. گرچه نفت به عنوان یک عامل مشخص در روابط ایران و جمهوری آذربایجان مؤثر می‌باشد، اسلام در برداشت آذری‌ها یک عامل نفوذ تلقی می‌گردد. شیعه‌های آذربایجان از پذیرش وهابیت عربستان سعودی که بنابر اظهار منابع موثق آذری، از طریق ترکیه و قفقاز جنوبی وارد آذربایجان می‌گردد امتناع می‌ورزند؛ ولی جریانات مشخصی در جمهوری آذربایجان حاکی از نگرانی نفوذ شیعه ایرانی می‌باشد.

ترکیه مرزهایش را با ارمنستان بسته است در حالی که ایران علاوه بر بازگشایی مرزهای خود به روی ارمنستان حتی یک پل بر روی رود ارس بنا کرده است. ایران احتمالاً به دنبال موازنه رابطه با هر دو کشور ارمنستان و ترکیه می‌باشد اما روابط خوب با ارمنستان مانع داشتن رابطه خوب با جمهوری آذربایجان می‌گردد. سؤالی که مطرح می‌گردد این است که آیا جمهوری اسلامی ایران ارمنستان را به خاطر اقلیت دویست‌هزار نفری ارمنه در ایران مورد توجه قرار می‌دهد؟ یا به خاطر نقش ترکیه و آذربایجان به عنوان پایگاه‌های نفوذ آمریکا در منطقه موجب گرایش ایران به ارمنستان می‌شود.

نخست‌وزیر جمهوری آذربایجان، آرتور راسی‌زاده گفت: «بنابر مشترکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی، سیاست‌های دو کشور باید براساس این مشترکات باشد»؛

در روابط ایران و گرجستان مشخصه خاصی دیده نمی‌شود. در حافظه تاریخی گرجستان، شاه‌عباس (۱۶۲۹-۱۵۸۷) نقشی را ایفا کرد که به هر حال تأثیری در نگرش فعلی مردم گرجستان ندارد. دلیل نزدیکی روسیه و ایران واکنشی به نفوذ آمریکا در منطقه قفقاز جنوبی می‌باشد تا وجود منافع حقیقی در هر طرف.